

مطالعه تطبیقی سازش در دعاوی خانوادگی در کنوانسیون

سنگاپور ۲۰۱۹، حقوق ایران و فقه امامیه

سید علیرضا رضایی^۲

رضا معبودی نیشابوری^۱

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۱۶

چکیده

سازش یا میانجی‌گری مزایای متعددی نسبت به سایر طرق حل و فصل اختلافات دارد. سازمان ملل متحد با تنظیم کنوانسیون سنگاپور در مورد سازشنامه‌های حاصل از میانجی‌گری، به دنبال افزایش اعتبار و ارتقای جایگاه این روش حل اختلاف بوده است. در پاراگراف «ب» از بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون مذکور، سازشنامه‌های خانوادگی از قلمرو اعمال این معاهده خارج شده‌اند و به همین دلیل در صورت تنظیم سازشنامه بین‌المللی در امور خانوادگی، سازشنامه مذکور نمی‌تواند از حمایت کنوانسیون سنگاپور برخوردار شود. در مقاله حاضر، با بررسی تطبیقی در مقررات کنوانسیون سنگاپور به عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی در خصوص میانجی‌گری و رویکرد فقه امامیه به عنوان منبع اصلی قواعد حقوق خانواده در ایران، وضعیت کنونی حقوقی ایران در خصوص میانجی‌گری در دعاوی خانوادگی مورد ارزیابی قرار گرفت. این مقاله با روشی تحلیلی - توصیفی و رویکرد تطبیقی، موضوعات مذکور را بررسی نموده و به این نتیجه نائل آمده است که عدم حمایت کنوانسیون سنگاپور و حقوق ایران از سازشنامه‌های خانوادگی بین‌المللی قابل دفاع است، زیرا امور خانوادگی در کشورهای مختلف، موضوع مقررات متعدد و متفاوتی می‌باشد و الزام به اعطای اعتبار به سازشنامه بین‌المللی در امور خانوادگی توسط کشورها با دشواری پذیرفته می‌شود، اما با توجه به مزایای متعدد توسعه سازش در دعاوی خانوادگی و وجود تأکیدات فقهی، حقوق ایران حمایت قابل توجهی از سازشنامه‌های داخلی در امور خانوادگی نمی‌کند و به مقنن ایرانی پیشنهاد می‌شود که با وضع مقررات جامعی در این خصوص و حمایت اجرایی از سازشنامه، تحول ضروری و مهمی را جهت حل اختلاف دعاوی خانوادگی ایجاد نماید.

کلیدواژه‌ها: حقوق خانواده، طلاق، حمایت اجرایی، داوری.

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد،

Maboudi@um.ac.ir

ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

G.alirezarezaee4771@mail.um.ac.ir

مقدمه

سازش یا میانجی‌گری، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین روش‌های حل و فصل اختلافات، کمتر مورد استفاده اشخاص قرار می‌گیرد. مهم‌ترین دلیل عدم بکارگیری این روش حل و فصل اختلافات، فقدان وصف لازم‌الاجرا در سازشنامه‌های حاصل از میانجی‌گری است. از این رو کنوانسیون سازمان ملل متحد، جهت رفع نقیصه سازشنامه‌های حاصل از میانجی‌گری ۲۰۱۹ (کنوانسیون سنگاپور) در عرصه بین‌المللی به تصویب رسید و متعاقباً دولت ایران نیز کنوانسیون سنگاپور را امضاء نمود.

مهم‌ترین هدف این کنوانسیون، ایفای نقشی همانند کنوانسیون نیویورک در خصوص شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی، جهت افزایش بکارگیری روش میانجی‌گری است. لذا این کنوانسیون، با اعطای وصف لازم‌الاجرا به سازشنامه‌ها از آنها حمایت ویژه‌ای کرده است.

سازشنامه‌های خانوادگی، مطابق پاراگراف «ب» از بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون، از قلمرو اعمال کنوانسیون مستثنی شده‌اند. لذا سازشنامه‌های بین‌المللی در امور خانوادگی، نمی‌توانند مشمول حمایت کنوانسیون سنگاپور واقع شوند.

با توجه به ذات و ماهیت این گونه دعاوی، سازش در دعاوی خانوادگی مزایای متعددی دارد، اما به دلیل وجود قواعد و قوانین امری در مسائل خانوادگی، در این موارد حمایت از سازشنامه‌های تنظیمی به راحتی صورت نمی‌گیرد.

در حقوق ایران نیز سازشنامه‌های تنظیمی در امور خانوادگی، در مقررات قانونی دارای حمایت حداقلی هستند و جز در موارد خاص، فاقد وصف لازم‌الاجرا می‌باشند؛ حتی در دعاوی راجع به انحلال و بطلان نکاح با توجه به انحصاری بودن صلاحیت دادگاه‌ها، امکان اعطای اعتبار به سازشنامه تنظیمی توسط طرفین به صورت کلی منتفی است. در مقابل، در فقه امامیه تأکیدات بسیاری بر استفاده از سازش در کلیه دعاوی صورت گرفته و در خصوص دعاوی خانوادگی نیز به طور خاص استفاده از سازش سفارش شده است.

پژوهش حاضر به دنبال تبیین وضعیت کنونی نظام حقوقی ایران در خصوص میانجی‌گری در دعاوی خانوادگی است و در این راستا با بررسی تطبیقی رویکرد کنوانسیون سنگاپور و فقه امامیه، قصد دارد مقررات قانونی ایران را در این حوزه مورد نقد و ارزیابی قرار دهد.

ضرورت طرح و بررسی موضوع مذکور در آن است که در دعاوی خانوادگی، استفاده از طرق توافقی حل اختلاف - مثل دادرسی - مطلوب نیست، زیرا وجود روابط خویشاوندی میان طرفین دعوا اقتضا می‌کند که از روش‌های حل اختلافی استفاده گردد که به روابط مذکور لطمه‌ای وارد نشود.

میانجی‌گری به عنوان روش مسالمت‌آمیز حل اختلاف، علاوه بر خاتمه دادن به دعاوی طرفین، باعث حفظ روابط شخصی و خانوادگی آنها نیز می‌شود. همچنین اسرار خانوادگی حفظ شده و به فرزندان ضربه روحی و عاطفی کمتری وارد می‌شود.

گذشته از این در این گونه دعاوی، شخص ثالث همانند قاضی، از نیازها و اقتضائات شخصی طرفین مطلع نیست، اما در میانجی‌گری، طرفین دعوا با در نظر گرفتن تمامی مسائل مذکور درباره نتیجه دعوا تصمیم‌گیری می‌کنند. لذا با توجه به مراتب فوق، باید مشخص شود که استفاده از میانجی‌گری به عنوان طریقه حل اختلاف دعاوی خانوادگی دارای چه شرایط و محدودیت‌هایی است.

نوآوری مقاله حاضر از این حیث است که اولاً تا کنون هیچ پژوهشی به صورت جامع به بررسی وضعیت اعتبار سازش یا میانجی‌گری در دعاوی خانوادگی در حقوق ایران نپرداخته و ثانیاً مقاله حاضر با بررسی تطبیقی رویکرد ایران با مهم‌ترین سند بین‌المللی در خصوص میانجی‌گری و رویکرد منابع فقهی به عنوان منبع اصلی قواعد حقوق خانواده در ایران، ارزیابی جامعی در خصوص میانجی‌گری در دعاوی خانوادگی داشته و راه‌حل‌هایی ارائه می‌دهد.

با توجه به مراتب فوق‌الذکر و با در نظر گرفتن مزایا و معایب استفاده از روش سازش در دعاوی خانوادگی، باید رویکرد کنوانسیون سنگاپور، حقوق ایران و فقه امامیه درباره این گونه دعاوی مورد بررسی قرار گیرد؛ بدین ترتیب که کنوانسیون سنگاپور و رویکرد فقه امامیه به عنوان دو معیار اصلی جهت ارزیابی رویکرد حقوق ایران مطرح خواهند شد. کنوانسیون سنگاپور به عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی در خصوص میانجی‌گری می‌تواند مبنایی برای ارزیابی رویکرد حقوق ایران در خصوص سازش‌نامه‌های بین‌المللی با موضوع خانواده باشد.

همچنین فقه امامیه به عنوان منبع اصلی قواعد حقوق خانواده نیز می‌تواند ملاکی برای بررسی رویکرد قواعد موجود نظام حقوقی ایران در موارد میانجی‌گری در دعاوی خانوادگی داخلی باشد. لذا ابتدائاً رویکرد کنوانسیون سنگاپور و فقه امامیه بررسی می‌شود و سپس، ارزیابی جامعی از وضعیت کنونی نظام حقوقی ایران ارائه می‌گردد. از این رو مباحث مذکور به شرح ذیل مورد

تدقیق قرار خواهد گرفت: «رویکرد کنوانسیون سنگاپور» (۱)، «رویکرد حقوق ایران» (۲) و «رویکرد فقه امامیه» (۳).

رویکرد کنوانسیون سنگاپور

هدف اصلی کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد سازشنامه‌های حاصل از میانجی‌گری (کنوانسیون سنگاپور) افزایش استفاده از روش میانجی‌گری در حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی است، زیرا میانجی‌گری روشی سریع‌تر و ارزان‌تر نسبت به سایر روش‌ها است و مهم‌تر از آن باعث حفظ روابط طرفین دعوا می‌شود (بایر^۱، ۲۰۰۸: ۳۲۶؛ استیت^۲، ۲۰۰۴: ۸؛ کوئیک اندرسون^۳، ۲۰۱۹: ۳؛ ساسمن^۴، ۲۰۱۸: ۴۲). به علاوه کنوانسیون مزبور، حمایت اجرایی مستقیم از سازشنامه‌ها را مقرر داشته است. تفاوت سازشنامه‌هایی که مورد حمایت اجرایی قرار دارند با سازشنامه‌های دیگر آن است که در سایر سازشنامه‌ها، چنانچه یکی از طرفین از اجرای موضوع سازشنامه امتناع کند، طرف مقابل صرفاً می‌تواند سازشنامه مورد نظر را به عنوان قراردادی عادی تلقی نموده و اقدام به طرح دعوا نزد مراجع صالح نموده و تشریفات مطول رسیدگی را تحمل کند، در حالی که چنانچه سازشنامه، موضوع حمایت اجرایی قرار گرفته باشد، خود می‌تواند به منزله حکم قطعی دادگاه قلمداد شده و بدون نیاز به طرح دعوا و تحمل اطاله رسیدگی، مفاد آن از طریق اجرای احکام دادگستری، مستقیماً به طرف مقابل تحمیل شود.

در بسیاری از موارد در دعاوی خانوادگی، استفاده از روش میانجی‌گری نه تنها باعث حل اختلاف طرفین شده، بلکه روابط طرفین نیز بهبود یافته است و به همین دلیل توصیه می‌شود میانجی در دعاوی خانوادگی دارای تخصص روان‌شناسی نیز باشد تا با بررسی علل مشکلات ایجاد شده، اختلافات را برطرف نماید (ویس من؛ لیک، ۱۹۸۵: ۲۸۰).

برخلاف داوری و دادرسی قضایی که موضوع برد و باخت برای طرفین دعوا می‌باشد، در امر سازش طرفین با یکدیگر همکاری می‌نمایند. لذا همان‌طور که برخی صاحب‌نظران (ویس من^۵؛

-
1. Beyer
 2. Stitt
 3. Quek Anderson
 4. Sussman
 5. Weissman

لیک، ۱۹۸۵: ۲۸۰؛ کانستین^۱، ۲۰۱۴: ۳۳) عنوان کرده‌اند، ماهیت برد - برد روش سازش در حل و فصل اختلافات، یکی از مهم‌ترین مزایای آن است و باعث حفظ روابط طرفین دعوا می‌شود.

همچنین میانجی‌گری روش بسیار کم‌هزینه‌تری نسبت به سایر روش‌ها است. نتیجه داوری یا دادرسی کاملاً غیر قابل پیش‌بینی است، اما در سازش، طرفین خود نتیجه دعوی را با بررسی خواسته‌های هر یک از طرفین دعوا مشخص می‌نمایند و برخلاف داوری یا دادرسی، سازشنامه نتیجه مستقیم آزادی اراده طرفین است (ویس من؛ لیک^۲، ۱۹۸۵: ۲۸۰؛ ازل^۳، ۲۰۰۱: ۱۲۳؛ وانیسوا^۴، ۲۰۱۹: ۳-۴؛ هیلز^۵، ۲۰۱۰: ۷).

از سوی دیگر، سازش نسبت به روش‌های دیگر حل و فصل اختلافات، بیشتر از اطلاعات محرمانه محافظت می‌کند. همان‌طور که برخی نویسندگان (ازل، ۲۰۰۱: ۱۲۸) عنوان کرده‌اند، در دعاوی خانوادگی نسبت به سایر دعاوی، حفظ محرمانگی اهمیت بیشتری دارد، زیرا طرفین دعوا تمایل ندارند اطلاعات خانوادگی، مشکلات و ضعف‌های آنها افشا شود.

سازش در دعاوی خانوادگی اهمیتی دوچندان می‌یابد، زیرا در این گونه دعوی، جدا از مسائل قانونی، مسائل احساسی و انسانی نیز دخیل هستند. در این گونه دعوی، قوانین نمی‌توانند بهترین راه‌حل را ارائه دهند و با استفاده از روش میانجی‌گری، طرفین دعوا اختلاف خود را با در نظر گرفتن شرایط و نیازهای خاص خود حل و فصل می‌نمایند (ویس من؛ لیک، ۱۹۸۵: ۲۶۵؛ کیستراخت^۶، ۱۹۹۷: ۳۷۱-۳۷۲؛ گرنسر^۷، ۱۹۹۵: ۴۹-۵۰).

سازش در دعاوی خانوادگی، باعث کاهش هزینه‌های عاطفی و اقتصادی حل و فصل این گونه اختلافات می‌شود. همچنین این امکان فراهم می‌شود که طرفین نتیجه دعوا را بر اساس خواست خویش و با در نظر گرفتن ارزش‌های فرهنگی مد نظر خود تعیین تکلیف نمایند.

در رسیدگی قضایی به دعاوی خانوادگی، قاضی و وکلا بر اساس قواعد عمومی برای افراد خانواده تصمیم می‌گیرند، اما در روش میانجی‌گری طرفین می‌توانند با در نظر داشتن شرایط خاص موجود تصمیم‌گیری کنند. به علاوه در دعاوی انحلال نکاح، استفاده از روش سازش باعث

-
1. Constain
 2. Leick
 3. Ezzell
 4. Vanišová
 5. Hills
 6. Kisthardt
 7. Gerencser

کاهش تنش‌های میان زوجین و در نهایت، جلوگیری از ورود زیان به فرزندان خانواده می‌شود. همچنین زوجین ممکن است در فضایی خصوصی و محرمانه و با کمک میانجی بی‌طرف به زندگی مشترک خویش بازگردند.

تجربه نشان داده است در دعاوی خانوادگی، سازش مطلوب طرفین است و عموماً افراد، روش میانجی‌گری را عادلانه تلقی می‌کنند؛ حتی در اکثر موارد پس از انعقاد سازشنامه، طرفین دیگر به دادگاه مراجعه نمی‌نمایند (ازل، ۲۰۰۱: ۱۳۱).

بر اساس پاراگراف «ب» از بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون، سازشنامه‌های مربوط به حقوق خانواده، با عنایت به فقدان توصیف تجاری از قلمرو اجرای کنوانسیون مستثنی شده‌اند. لذا جهت اجرای سازشنامه‌های مربوط به دعاوی خانوادگی، نمی‌توان از معاهده مزبور استفاده نمود. رویکرد معاهده مذکور در زمینه استثناء کردن این دعاوی از محدوده اعمال کنوانسیون منطقی است، زیرا علاوه بر فقدان وصف تجاری دعاوی خانوادگی، مقررات امری در حقوق کشورها در مورد این گونه دعاوی وجود دارد و آنها موضوع مقررات و فرهنگ‌های متفاوت و بعضاً متعارض هستند (اشنابل^۱، ۲۰۱۹: ۲۳؛ لو^۲؛ جومی^۳، ۲۰۱۴: ۳۹۳).

معمولاً حقوق خانواده برای حمایت از طرف ضعیف‌تر رابطه حقوقی، نیازمند حمایت و کنترل دولت بوده و در نتیجه، این حوزه به طور طبیعی به ایجاد قواعد امری منتهی می‌شود و حاکمیت اراده به سختی در آن مورد پذیرش قرار می‌گیرد (فیفر، ۲۰۱۲: ۲۹۶).

در مقابل، برخی نویسندگان (آلکساندر^۴، ۲۰۱۹: ۴۰۸-۴۱۰) معتقدند که با توجه به اهمیت سازش در این گونه دعاوی در مقررات بین‌المللی و داخلی کشورها، رویکرد کنوانسیون سنگاپور قابل نقد می‌باشد. بسیاری از دعاوی بین‌المللی خانوادگی، در خصوص حقوق و تکالیف والدین یا تقسیم اموال به وسیله طرق جایگزین حل اختلاف - مثل میانجی‌گری - حل و فصل می‌شوند.

در این گونه دعاوی، سازش روشی مناسب و مقبول به حساب می‌آید و سازمان‌های متعددی در خصوص سازش در این گونه اختلافات فعالیت می‌کنند. کنفرانس‌های لاهه در خصوص حقوق بین‌الملل خصوصی، سه کنوانسیون در این مورد تصویب نموده‌اند. کنوانسیون لاهه در خصوص کودک‌ربایی مصوب ۱۹۸۰، کنوانسیون لاهه در خصوص حفاظت از کودکان مصوب ۱۹۹۶ و

1. Schnabel
2. Lo
3. Jo-Mei
4. Alexander

کنوانسیون لاهه در خصوص حفاظت از بزرگسالان (آسیب پذیر) مصوب ۲۰۰۰ که در همه آنها به استفاده از سازش در این گونه دعاوی تأکید شده است.

رویکرد حقوق ایران

در حقوق ایران، بر سازش یا میانجی‌گری در دعاوی خانوادگی بسیار تأکید شده است و تمام تلاش بر این است که اختلافات زوجین، پیش از صدور رأی دادگاه به صلح و سازش منجر شود. در ماده ۳۴ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، اعتبار محدود سه ماهه برای گواهی عدم امکان سازش در نظر گرفته شده است. به علاوه مطابق ماده ۱۰ قانون حمایت خانواده، دادگاه می‌تواند برای فراهم کردن فرصت صلح و سازش، جلسه دادرسی را به درخواست زوجین یا یکی از آنان، حداکثر برای دو بار به تأخیر اندازد.

راهکار مقرر در این ماده با مقررات قانون آیین دادرسی مدنی متفاوت است. از سویی، تأخیر جلسه دادرسی در ماده ۱۰ برای دو نوبت و در مقررات آیین دادرسی مدنی، فقط برای یک نوبت مجاز دانسته شده است. از سوی دیگر، هدف از تأخیر در جلسه رسیدگی در ماده ۱۰ قانون حمایت خانواده، فراهم کردن فرصت صلح و سازش است، در حالی که در ماده ۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی، انگیزه درخواست تأخیر جلسه موضوعیت ندارد (قبولی درافشان و محسنی، ۱۳۹۴: ۱۳۰؛ السان و دیگران ۱۳۹۷: ۱۵۱).

به علاوه در مواد ۱۶-۱۹ قانون حمایت از خانواده بر ایجاد مراکز مشاوره خانواده تأکید شده است. در ماده ۲۵ قانون مزبور، تقاضای طلاق توافقی می‌تواند ابتدائاً در مراکز مشاوره مطرح شود که خود قدمی مؤثر در جهت قضا‌دایی می‌باشد. در مواد ۲۷ و ۲۸ این قانون، امکان ارجاع این دعاوی به داوری پیش‌بینی شده است. فلسفه وضع چنین قواعدی، حفظ کانون خانواده و جلوگیری از انحلال نکاح بوده است.

در خصوص موضع حقوق ایران در بکارگیری روش میانجی‌گری در دعاوی مرتبط با حقوق خانواده، باید میان دعاوی داخلی و بین‌المللی تفکیک نمود. در ادامه، موضع حقوق ایران در خصوص میانجی‌گری در دعاوی خانوادگی داخلی (۲،۱) و بین‌المللی (۲،۲) مورد بررسی واقع خواهد شد.

۱. میانجی‌گری در دعاوی خانوادگی داخلی

در مورد اختلافات خانوادگی داخلی در حقوق ایران، سه راه جهت ایجاد سازش میان زوجین پیش‌بینی شده است که عبارتند از: داوری، مراکز مشاوره خانواده و شوراهای حل اختلاف. پیش‌بینی چند نهاد موازی در خصوص این‌گونه دعاوی، قابل نقد و محل ایراد است (خالقیان و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۴؛ السان و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵۱). صرف نظر از عنوان و تشریفات، تمامی نهادهای مذکور به دنبال برقراری سازش میان طرفین دعوا می‌باشند.

۱.۱. میانجی‌گری دعاوی خانوادگی در شوراهای حل اختلاف

با توجه به ماهیت قضایی شوراهای حل اختلاف، نهاد مذکور نقشی مثل دادگاه دارد و در نتیجه سازش مذکور در ماده ۷۷ قانون شوراهای حل اختلاف، روش جایگزین حل و فصل اختلاف محسوب نمی‌شود و در واقع، مقدمه‌ای برای اتخاذ تصمیم قضایی است. شایان ذکر است که سازشنامه تنظیمی نزد شوراهای حل اختلاف، مطابق ماده ۲۵ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ و ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴، به منزله گزارش اصلاحی و سازش نزد قاضی محسوب می‌شود و لذا از حمایت اجرایی برخوردار است.

۲.۱. میانجی‌گری دعاوی خانوادگی در مراکز مشاوره خانواده

مطابق مواد ۱۶ و ۴۶ آیین‌نامه قانون حمایت خانواده در حوزه‌های قضایی که مراکز مشاوره خانواده در آن ایجاد شده‌اند، مراکز مذکور ضمن ارائه خدمات مشاوره‌ای به زوجین، در موارد مربوط سعی در ایجاد سازش کرده و در صورت حصول سازش به تنظیم سازشنامه مبادرت می‌ورزند.

شایان ذکر است ارجاع اختلاف به مراکز مشاوره، صرفاً در خصوص دعاوی میان زوجین نبوده و کلیه دعاوی موضوع دادگاه خانواده می‌توانند به این مرکز ارجاع شوند (کاظمی، ۱۳۹۶: ۹۹). اگر سازش یا میانجی‌گری را روشی بدانیم که در آن شخص ثالث جهت حل اختلاف میان طرفین، راه‌حلی را به آنها پیشنهاد می‌دهد، مشاوره مذکور در قانون حمایت خانواده، نوعی سازش و میانجی‌گری است که به حل اختلافات خانوادگی اختصاص دارد و با وساطت یک متخصص در این امر صورت می‌پذیرد. اما باید توجه داشت در چنین مواردی، سازشنامه در حکم گزارش اصلاحی تنظیمی در دادگاه نیست، زیرا با توجه به ملاک تبصره ماده ۱۸۲ قانون آیین

دادرسی مدنی: سازشنامه تنظیمی توسط قاضی، داور یا سردفتر اسناد رسمی دارای وصف لازم‌الاجرا است.

بدین ترتیب این سازشنامه، تنها در صورتی قابلیت اجرایی دارد که توسط دادگاه تنفیذ شود (قربانوند، ۱۳۹۳: ۷۴؛ السان و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵۱). اعتبار سازش صورت گرفته در مرکز مشاوره به مثابه سازش خارج از دادگاه بوده و در نتیجه، طرفین باید در دادگاه حاضر شده و به صحت آن اقرار کنند. همچنین سازشنامه تنظیمی، سندی غیررسمی محسوب می‌شود (قربانوند، ۱۳۹۳: ۷۴؛ کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۰۰).

۳،۱. میانجی‌گری دعاوی خانوادگی در فرایند داوری

یکی از روش‌های حل و فصل اختلافات دعاوی خانوادگی در حقوق ایران، روش موسوم به داوری است. در ماده ۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶، یکی از تشریفات لازم‌الرعایه در طلاق، داوری عنوان شده و در ماده ۵ و ۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ نیز ارجاع به داوری پیش‌بینی شده است.

مطابق تبصره ۲ لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸، دادگاه باید در طلاق به درخواست شوهر، موضوع را به داوری ارجاع داده و در صورت عدم حصول سازش، حکم طلاق را صادر کند. به موجب ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱، تشریفات داوری در کلیه طلاق‌ها باید رعایت شود و صدور حکم طلاق یا گواهی عدم امکان سازش بدون ارجاع امر به داوری از موجبات نقض حکم دادگاه می‌باشد. در ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ نیز چنین نهادی پیش‌بینی شده است.

مطابق ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، ارجاع به داوری در کلیه درخواست‌های طلاق، بجز طلاق توافقی الزامی است. به نظر برخی نویسندگان (شیروی، ۱۳۹۵: ۱۷۵)، در حال حاضر نقش داوری در خصوص طلاق‌های توافقی توسط مراکز مشاوره خانواده ایفا می‌شود.

در مورد ارجاع به داوری در طلاق غیابی اختلاف نظر وجود داشته و دارد. بعضی شعب دادگاه‌ها، درخواست طلاق را به داوری ارجاع می‌دهند و برخی قضات آن را بی‌نتیجه می‌دانند (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۱۵). در حکومت قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳، برخی نویسندگان (سلیمی الیزئی، ۱۳۸۹: ۱۳۱؛ زینالی، ۱۳۹۴: ۴۷) اعتقاد داشتند در صورتی که در دادگاه بدوی ارجاع به

داوری انجام نشود، موجب نقض رأی در مرحله تجدیدنظر خواهد شد. همین موضع در حکومت قانون جدید حمایت خانواده نیز قابل دفاع است.

در مجموع به نظر می‌رسد نهاد داوری مذکور در قانون حمایت خانواده، شباهت بیشتری با سازش یا میانجی‌گری دارد و نمی‌توان آن را با داوری مذکور در قانون آیین دادرسی مدنی یکسان تلقی نمود، زیرا هدف از ارجاع یک دعوی طلاق به داوری، تشخیص حق توسط داور و صدور رأی نیست؛ بلکه مقصود، برگزاری جلسات و صحبت کردن با زوجین جهت منصرف کردن آنها از طلاق و ایجاد امکان توافق و سازش می‌باشد.

لذا دلالت آیه شریفه ۳۵ سوره نساء و کلام بسیاری از فقها در لزوم تلاش داوران بر ایجاد سازش، نشان می‌دهد که نهاد داوری در اینجا، نهادی مبتنی بر صلح است که هدف ایجاد آن، عدم مداخله مراجع قضایی و حصول سازش میان طرفین بوده است (رسایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۱-۵۲).

۴.۱. وضعیت کلی میانجی‌گری در دعاوی خانوادگی داخلی

در تمام طرق مذکور، سازش به عنوان طریقه جایگزین حل و فصل اختلاف پذیرفته نشده و سازش مقدمه‌ای برای اتخاذ تصمیم قضایی تلقی گردیده است. در این قانون با روش حل اختلاف چند مرحله‌ای روبه‌رو هستیم که لایه اصلی رسیدگی قضایی است و سازش، یکی از مراحل می‌باشد که در بستر این طریق حل اختلاف قرار گرفته است.

به عبارت دیگر، سازش به عنوان طریق مستقل حل اختلاف، نهادی کاملاً متفاوت از سه روش سازش فوق‌الذکر است و احکام و آثار خاص خود را دارد. لذا از آنجا که مهم‌ترین مزایای سازش در فرضی خود را نشان می‌دهد که سازش به عنوان طریق مستقل حل اختلاف مورد استفاده قرار گیرد، باید اذعان داشت که روش‌های سه‌گانه سازش مذکور در قانون حمایت خانواده و قانون شوراهای حل اختلاف، عملاً نتوانسته مزایای ویژه سازش به عنوان یک روش مستقل حل اختلاف را به ارمغان آورد.

صلاحیت انحصاری برای دادگاه‌ها در بعضی دعاوی خانوادگی ایجاد شده است و در نتیجه در این موارد، امکان اجرای سازشنامه میان طرفین وجود ندارد. مهم‌ترین مصداق در این خصوص، دعاوی مربوط به انحلال و ابطال نکاح است. در ماده ۲۴ قانون حمایت خانواده عنوان شده است: ثبت طلاق و سایر موارد انحلال نکاح و نیز اعلام بطلان نکاح یا طلاق در دفاتر رسمی ازدواج و طلاق، حسب مورد پس از صدور گواهی عدم امکان سازش یا حکم مربوط از سوی دادگاه مجاز

است. در ماده ۵۶ قانون مذکور نیز برای عدم رعایت این مقرر، ضمانت اجرای محرومیت از اشتغال به سردفتری در نظر گرفته شده است.

در ماده ۲ قانون حمایت خانواده، حل و فصل اختلافات در دعاوی خانوادگی در صلاحیت دادگاه خانواده قرار گرفته است. ممکن است ماده مزبور این گونه تفسیر شود که این مقرر، برای دادگاه‌های خانواده صلاحیت انحصاری ایجاد کرده و در نتیجه، این گونه دعاوی از طریق سازش قابل حل و فصل نبوده و حل اختلاف باید از طریق دادگاه خانواده صورت گیرد.

در مقابل به نظر می‌رسد مقرر مذکور، امکان استفاده از سایر طرق حل اختلاف را منتفی نکرده است. در نتیجه در دعاوی خانوادگی، بجز استثنائات مذکور در ماده ۲۴ قانون حمایت خانواده، با توجه به عموم مواد قانون آیین دادرسی مدنی، امکان سازش وجود دارد، اما تقاضای اجرای سازشنامه باید از دادگاه خانواده یا شورای حل اختلاف صورت گیرد.

علاوه بر این در استفاده از روش سازش در دعاوی خانوادگی، باید توجه شود که مقررات امری حقوق خانواده در تنظیم سازشنامه رعایت شده باشد. در حقوق ایران، مسائل مربوط به حقوق خانواده و احوال شخصیه مرتبط با نظم عمومی بوده و طبیعتاً اگر سازشنامه در این موضوعات، مطابق قواعد حقوقی کشوری دیگر تنظیم شده و متعارض با قواعد امری حقوق ایران باشد، در نظام حقوقی ایران پذیرفته نمی‌شود.

درست است که مواد ۷ و ۸ قانون مدنی، احوال شخصیه افراد را تابع مقررات ملی آنها می‌داند، اما اجرای سازشنامه‌های مغایر با قواعد امری حقوق ایران در خصوص مسائل حقوق خانواده و احوال شخصیه امکان‌پذیر نیست. به عنوان مثال بعضی از دواج‌ها در نظام‌های حقوقی دیگر از لحاظ قانونی معتبر شناخته می‌شوند، اما نظام حقوقی ایران به دلیل مخالفت نظم عمومی و اخلاق حسنه نمی‌تواند سازشنامه‌هایی را در این خصوص به رسمیت بشناسد.

از این رو در حقوق ایران با اینکه بر وقوع سازش در دعاوی خانوادگی تأکید شده است، اما سازش در این گونه دعاوی به عنوان روش ویژه‌ای که جایگزین حل و فصل اختلافات قضایی باشد، به رسمیت شناخته نشده و حتی قلمرو آن از سازش در سایر دعاوی مدنی نیز محدودتر است.

در دعاوی داخلی، سازش دارای وضعیتی خاص نبوده و اصولاً با توجه به اطلاق قانون آیین دادرسی مدنی، دعاوی حقوقی از جمله دعاوی خانوادگی (به استثناء دعاوی مذکور در ماده ۲۴

قانون حمایت خانواده) می‌توانند از طریق سازش حل و فصل شوند؛ البته مشروط به آنکه قواعد آمره در سازش مورد نظر رعایت شده باشد.

از این رو در صورت تنظیم این گونه سازشنامه‌ها نزد سردفتر اسناد رسمی (ماده ۱۸۱ قانون آیین دادرسی مدنی) و دادگاه (ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی)، با لحاظ استثنائات مذکور در ماده ۲۴ قانون حمایت خانواده و رعایت قواعد امری، سازشنامه‌های مذکور همانند سایر دعاوی حقوقی از حمایت اجرایی برخوردار خواهند بود.

در عین حال، سازشنامه‌های تنظیمی نزد داور در دعاوی خانواده، علاوه بر محدودیت ماده ۲۴ قانون حمایت خانواده، با محدودیت‌های بند ۲ ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی مواجه هستند. بدین ترتیب، باید بر این قائل شد که سازشنامه‌های دعاوی خانواده - که نزد داور تنظیم شده‌اند - مشروط بر آنکه مربوط به اصل نکاح، انحلال و بطلان آن یا نسب نباشند، از حمایت اجرایی ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۴۸۸ قانون مزبور برخوردار خواهند بود.

من حیث المجموع، استثنائات مذکور در ماده ۲۴ قانون حمایت خانواده و بند ۲ ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی، قسمت قابل توجه و مهمی از دعاوی خانوادگی را از شمول مقررات سازش به عنوان روش مستقل حل اختلاف خارج نموده و موضع مزبور با تأکیداتی که در نظام حقوقی ایران در خصوص سازش در دعاوی خانوادگی مشاهده می‌شود، همخوانی ندارد.

انتقاد مزبور زمانی نمایان‌تر می‌شود که توجه داشته باشیم مزایای سازش در دعاوی خانوادگی - همانند: پیشگیری آسیب به فرزندان، کاهش تنش‌های محیطی و رعایت رازداری - که در آغازین صفحات مقاله حاضر مورد طرح و بحث واقع شد، خود را در دعاوی راجع به بطلان و انحلال نکاح به شکل بارزتری ظهور و بروز می‌دهد.

۲. میانجی‌گری در دعاوی خانوادگی بین‌المللی

در خصوص موضع حقوق ایران درباره سازش در دعاوی خانوادگی بین‌المللی، در صورت قطعیت الحاق ایران به کنوانسیون سنگاپور، با توجه به مستثنی شدن دعاوی خانوادگی از قلمرو کنوانسیون مذکور، این معاهده بر این گونه دعاوی اعمال نمی‌شود. البته فارغ از موضع کنوانسیون فوق‌الذکر، سازشنامه‌های تنظیمی نزد دادگاه خارجی (ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام) و سایر سازشنامه‌های رسمی یا عادی خارجی (مواد ۱۲۹۵ قانون مدنی و ماده ۱۷۷ قانون اجرای احکام

مدنی)، به شرط عدم شمول ماده ۲۴ قانون حمایت خانواده و بند ۲ ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی، در حقوق ایران لازم‌الاجرا تلقی می‌شوند.

شایان ذکر است هر گونه حمایت از سازشنامه‌های خارجی در حقوق ایران، منوط به آن است که اولاً مربوط به بطلان و انحلال نکاح نبوده (ماده ۲۴ قانون حمایت خانواده)؛ ثانیاً در فرض انعکاس سازشنامه در رأی داوری در مورد اصل نکاح، انحلال آن یا نسب نبوده (بند ۲ ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی) و ثالثاً مفاد آنها مخالفتی با قواعد امری ایران نداشته باشد (سازشنامه‌های تنظیمی نزد دادگاه خارجی: ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده و ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام و سازشنامه‌های رسمی یا عادی خارجی: ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی).

در مجموع می‌توان گفت مقررات قانون ایران با کنوانسیون سنگاپور در به رسمیت نشناختن سازش در عمده دعاوی خانوادگی بین‌المللی هم راستا می‌باشند و سازشنامه‌های خارجی در صورت عدم تحقق شرایط سه‌گانه مذکور در پاراگراف قبل، در حقوق ایران مورد حمایت اجرایی قرار ندارند و مستلزم تحصیل حکم از دادگاه ایرانی هستند. وضعیت مزبور به لحاظ تفاوت‌های بسیار اساسی در مقررات حقوق خانواده نظام‌های حقوقی مختلف، کاملاً قابل توجیه به نظر می‌رسد.

رویکرد فقه امامیه

در نصوص فقهی، یکی از آداب شایسته قضاوت، ترغیب به سازش می‌باشد؛ حتی در آثار فقهی، عقد صلح را سیدالعقود می‌دانند (طباطبائی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱۶: ۱۴۹؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۲۶۳). در قرآن کریم نیز چهار بار به صلح اشاره شده است. شیخ بهایی در این خصوص بیان می‌کند: «تشویق نمودن طرفین دعوا به صلح باید انجام شود و اگر از صلح امتناع کردند، قاضی حکم صادر کند» (حلی، ۱۴۲۴ ق، ج ۲: ۱۶۹).

حتی با اینکه قاضی در مقام رسیدگی و پس از مشخص شدن امر، مکلف به صدور رأی است، اما در صورتی که احتمال سازش وجود داشته باشد، تأخیر در صدور حکم جایز است (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۸: ۲۵۷). همچنین عنوان شده است که قاضی نباید در صدور حکم تعجیل نماید، زیرا گرچه حل اختلاف طرفین با روش قضایی روشی شایسته است، اما باعث عداوت میان طرفین دعوا نیز می‌گردد (جزیری، ۱۴۰۶ ق، ج ۵: ۲۷۷).

سازش در دعاوی خانوادگی در متون اسلامی و بسیاری از آیات قرآن کریم (آیه ۱ سوره انفال، آیه ۹ و ۱۰ سوره حجرات، آیه ۱۲۸ و ۳۵ سوره نساء) ترغیب شده است. همچنین در روایتی عنوان شده: «هر شخصی که جهت ایجاد سازش میان زوجین گام بردارد، پروردگار پاداش هزار شهیدی را که به حقیقت در راه خدا به شهادت رسیده‌اند، به وی اهدا خواهد فرمود» (قمی، ۱۳۶۸: ۶۷۱).

نهاد موسوم به داوری در دعاوی خانوادگی از آیه ۳۵ سوره نساء برگرفته شده است. صلح خانوادگی که در این آیه به آن اشاره شده است، دارای مزایایی است: ۱. محیط خانواده کانون احساسات و عواطف است و بهتر است دعاوی به صورت عاطفی حل و فصل شوند. لذا در این آیه، داوران افرادی هستند که دارای پیوند خویشاوندی با طرفین دعوا هستند و می‌توانند احساسات آنها را در مسیر اصلاح تحریک کنند. ۲. اگر زوجین مجبور شوند اسرار زناشویی خود را نزد محاکم قضایی افشا کنند، باعث ایجاد کدورت میان آنها می‌شود. ۳. برای قاضی دادگاه نحوه پایان یافتن دعوا اهمیتی ندارد، اما در صلح خانوادگی، جدایی یا صلح زوجین، هم از لحاظ عاطفی و هم از لحاظ مسئولیت‌های ناشی از جدایی برای میانجی‌ها اهمیت دارد، زیرا میانجی‌ها با طرفین دعوا رابطه خویشاوندی دارند. ۴. صلح خانوادگی فاقد هزینه‌ها و تشریفات متعدد رسیدگی قضایی است (نجفی، ۱۳۹۵: ۵۰-۵۱؛ هدایت‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۰۶-۱۰۷).

گرچه در تفسیر آیه ۳۵ سوره نساء در خصوص اختیاری یا اجباری بودن طی کردن مرحله سازش اختلاف نظر وجود دارد، اما به نظر می‌رسد وجود صیغه امر «ابعثوا» از مهم‌ترین قرائن دال بر وجوب میانجی‌گری است (دیبانی، ۱۳۹۳: ۱۶؛ هدایت‌نیا، ۱۳۸۴: ۴۴).

در متون فقهی، حقوق خانوادگی موضوع قواعد امری متعددی است. همچنین در متون فقهی، شرط خیار در نکاح باطل است و اگر طرفین ضمن عقد شرط کنند که تا مدت معین یکی از طرفین یا هر دو اختیار فسخ نکاح را داشته باشد، چنین شرطی بی‌اثر خواهد شد (محقق داماد، ۱۳۸۶: ۱۸۸).

از نظر فقها (نجفی، ۱۴۳۰ ق، ج ۲۹: ۱۴۹) بطلان شرط خیار فسخ در نکاح امری اجماعی است. یکی از دلایل رویکرد مزبور این است که لزوم عقد نکاح، حکم شارع و قانونگذار است، نه جزء حقوق و اراده طرفین عقد. لذا جنبه امری دارد - نه قراردادی - تا بتوان با شرط خیار، لزوم آن را زایل نمود و بنابراین چنین شرطی بی‌اثر است.

به همین دلیل در نکاح، اقاله متصور نیست. دوام در نکاح دائم، مقتضای طبع و ذات عقد است و در نتیجه شرط خیار، خلاف مقتضای آن (لزوم) می‌باشد. نکاح ملحق به عبادات است و نه معاملات که بتوان در آن شرط خیار کرد (محقق داماد، ۱۳۸۶: ۱۸۹-۱۹۰).

در انحلال نکاح، شارع قواعد امری دیگری را نیز وضع کرده که به وسیله آنها اراده افراد محدود شده است. به عنوان مثال طلاق زن حامله تا وضع حمل و زن حائضه تا طهر جایز نیست (الجبلی العاملی، ج ۲، ۱۳۹۱: ۵۰۴). زمانی که طلاق انجام می‌شود تا پایان عده، امکان رجوع برای مرد وجود دارد و زن باید در این مدت در منزل طلاق سکونت داشته باشد تا شرایط برای رجوع و عدم انحلال نکاح فراهم شود؛ حتی مرد نیز نمی‌تواند زن را از خانه خارج نماید (الجبلی العاملی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۵۲۲). همچنین، عیوب موجب فسخ نکاح، امری و مشخص هستند.

علی‌رغم تأکیدات مکرر متون فقهی در خصوص سازش در دعاوی خانوادگی، نمونه‌ای از حمایت اجرایی مستقیم از سازش طرفین در منابع فقهی معتبر ملاحظه نگردید. علت این امر آن است که حمایت اجرایی مستقیم از سازشنامه‌های منعقدہ خارج از محکمه، جزء تأسیسات حقوق نوین بوده و طبعاً در حقوق سنتی بدین سبک و سیاق فاقد سابقه می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

کنوانسیون سنگاپور جدیدترین سند بین‌المللی در خصوص حل و فصل اختلافات است. این کنوانسیون با اعطای وصف لازم‌الاجرا به سازشنامه‌های ناشی از فرایند میانجی‌گری، به دنبال ارتقای جایگاه این روش حل و فصل اختلافات بوده تا روش سازش در کنار روش‌های داوری و دادرسی، به طریقه‌ای رایج در حل و فصل اختلافات میان طرفین دعوا تبدیل شود. البته سازشنامه‌های خانوادگی، فاقد حمایت اجرایی کنوانسیون مذکور هستند.

به نظر می‌رسد علت رویکرد کنوانسیون سنگاپور در خصوص عدم حمایت از دعاوی خانوادگی، تشویق هر چه بیشتر کشورهای مختلف به امضای معاهده مذکور و غیرتجاری بودن موضوع این دعاوی بوده است.

به دلیل ارتباط اساسی مسائل خانوادگی با زیرساخت‌های فرهنگی کشورهای مختلف و رویکردهای متفاوت نظام‌های حقوقی گوناگون در این خصوص، عدم حمایت اجرایی از سازشنامه‌های خانوادگی بین‌المللی از لحاظ ملاحظات سیاسی و حقوقی منطقی است و از این حیث، رویکرد کنوانسیون سنگاپور قابل دفاع به نظر می‌رسد.

در مقابل، به نظر می‌رسد حمایت اجرایی از سازشنامه‌های خانوادگی داخلی یک ضرورت است، زیرا علاوه بر عدم وجود ملاحظات حقوقی و سیاسی مذکور در خصوص سازشنامه‌های بین‌المللی، ماهیت خاص دعاوی خانوادگی به گونه‌ای است که در بسیاری موارد، استفاده از طرق حل اختلاف توافقی - مثل داوری و دادرسی - مؤثر نمی‌باشد.

با این حال، گرچه در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران، اصل سازش در دعاوی خانوادگی مورد تشویق و ترغیب واقع شده است، اما طریق مزبور به عنوان روش مستقل حل اختلاف در این گونه دعاوی با محدودیت‌هایی از جهت لازم‌الاجرا بودن نتیجه سازش مواجه است.

در مجموع به نظر می‌رسد در صورت دخالت میانجی متخصص و دارای مجوزهای لازم، میانجی‌گری یا سازش، می‌تواند مبدل به یکی از طرق اصلی حل اختلاف در دعاوی خانوادگی گردد، زیرا به دلیل وجود روابط خویشاوندی میان طرفین دعوا در اختلافات مزبور، طرق توافقی حل اختلاف مثل رسیدگی در دادگاه، می‌تواند باعث خدشه به روابط خانوادگی شود، اما در صورت استفاده از طرق مسالمت‌آمیز حل اختلاف، گام مهمی جهت حفظ روابط خانوادگی برداشته می‌شود.

مقررات موجود نظام حقوقی ایران علی‌رغم به رسمیت شناختن استفاده از سازش یا میانجی‌گری، مشمول مقررات حمایتی نیستند. لذا جهت تحقق هدف مذکور، باید مقنن ایرانی مقرراتی جامع در خصوص حمایت اجرایی از سازشنامه و قواعد تسهیل‌کننده مورد نیاز وضع نماید.

منابع

الجبلی العاملی، زین الدین (شهید ثانی). (بی‌تا). مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۱، چاپ اول، قم: مکتبه بصیرتی.

جزیری، عبد الرحمن. (۱۴۰۶ق). الفقه علی المذاهب الاربعه، جلد ۵، چاپ اول، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

جعفری، عباس. (۱۳۸۶). «داوری در دعاوی خانوادگی قوانین موضوعه و رویه قضایی». فقه و حقوق خانواده، شماره ۴۷، ص ۱-۲۹.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۷۲). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۱۸، چاپ اول، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

حلی، شمس‌الدین محمد بن شجاع قطان. (۱۴۲۴ق). معالم الدین فی فقه آل یاسین، جلد ۲، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق (علیه‌السلام).

خالقیان، جواد؛ نوری، الهه؛ محمدی، امید. (۱۳۹۵). «بررسی امکان تداخل صلاحیت ذاتی دادگاه خانواده با مراجع دیگر»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، شماره ۷۲، ص ۵۷-۸۰.

دیانی، عبدالرسول. (۱۳۹۳). «داوری در طلاق». ماهنامه کانون، شماره ۴۴، ص ۱۵-۱۸.

رسایی، محمد؛ یعقوبی گلوردی، راضیه؛ طبرسا، محمدتقی. (۱۳۹۵). «جستاری تازه در ماهیت نهاد داوری از منظر فقه خانواده». فصلنامه علمی اختصاصی معارف فقه علوی، سال دوم، شماره ۳، ص ۴۳-۵۹.

زینالی، ت. (۱۳۹۴). دعاوی طلاق در رویه دادگاه‌ها، چاپ اول، تهران: چراغ دانش.

۲۵. السان، مصطفی؛ نجفی زاده، لیلا؛ جلیلی آذر، مسعود. (۱۳۹۷). «بررسی موردی مقررات قانون حمایت از خانواده بر مبنای اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی». فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۳، ص ۱۳۷-۱۵۸.

سلیمی الیزئی، فریدون. (۱۳۸۹). طلاق در رویه قضایی، چاپ اول، تهران: جنگل.

شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۵). حقوق خانواده (ازدواج، طلاق و فرزندان)، چاپ اول، تهران: سمت.

طباطبائی، سید علی بن محمد. (۱۴۱۸ ق). ریاض المسائل، جلد ۱۶، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت (علیه‌السلام).

قبولی درافشان، سید محمدمهدی و محسنی، سعید. (۱۳۹۴). «نوآوری‌های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در زمینه مقررات شکلی مرتبط با دعاوی خانوادگی». فصلنامه پژوهشنامه زنان، شماره ۱۲، ص ۱۱۹-۱۳۹.

قربانوند، محمدباقر. (۱۳۹۳). تفسیر قضایی و نقد قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱)، چاپ اول، تهران: مجد. قمی، محمد بن علی. (۱۳۶۸). ثواب الاعمال، چاپ اول، قم: رضی.

محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۶). تحلیل فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، چاپ شانزدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۱۰ ق). الرسائل، جلد ۲، چاپ سوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

نجفی، ایمان. (۱۳۹۵). قضا‌دایی از دعاوی خانواده با مطالعه فقهی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی.

نجفی، محمدحسن. (۱۴۳۰ ه.ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۲۹، چاپ اول، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

هدایت‌نیا، فرج‌الله. (۱۳۸۴). «نقد داوری در دعاوی خانوادگی از مقررات تا اجرا». مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۷، ص ۷۶-۱۱۲.

هدایت نیا، فرج الله. (۱۳۸۷). داوری در حقوق خانواده، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

هدایت نیا، ف. (۱۳۸۷). داوری در حقوق خانواده، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- Alexander, N. (2019). "Ten Trends In International Mediation", **Singapore Academy of Law Journal**, V 31.
- Beyer, E. F. (2008). "Pragmatic look at mediation and collaborative law as alternatives to family law litigation". **St. Mary's Law Journal**, 40(1), 303-342.
- Constain S. (2014). "Mediation in Investor-State Dispute Settlement: Government Policy and the Changing Landscape", 29(A) **ICSID Review – Foreign Investment Law Journal** 25.
- Ezzell, B. (2001). "Inside the Minds of America's Family Law Courts: The Psychology of Mediation versus Litigation in Domestic Disputes", **Law and Psychology Review**, 25, 119-144.
- Gerencser, A. E. (1995). "Family mediation: Screening for domestic abuse", *Florida State University Law Review*, 23(1), 43-70.
- Hills, C. R. (2010). "Family court mediation: practical view", **Journal of Alternative Dispute Resolution**, 1(1), 6-13.
- Kisthardt, M. (1997). "The use of mediation and arbitration for resolving family conflicts: What lawyers think about them". **Journal of the American Academy of Matrimonial Lawyers**, 14(2), 353-392.
- Lo, C; Jo-Mei W. (2014). Draft "Convention on Cross-Border Enforcement of International Mediated Settlement Agreements", **Contemporary Asia Arbitration Journal**, Volume 7, Number 1.
- Pfeiffer, M. (2012). "Choice of law in international family and succession law", *The Lawyer Quarterly* 4/2012, available at: www.ilaw.cas.cz/tlq, last visited 1/6/2015.
- Quek Anderson, D. (2019). "Supporting party autonomy in the enforcement of cross-border mediated settlement agreements: A brave new world or uncharted territory?". *Privatizing dispute resolution: Trends and limits*. 18, 349-392. Research Collection School of Law. Available at: https://ink.library.smu.edu.sg/sol_research/2909
- Schnabel, T. (2019)(A). "The Singapore convention on mediation: framework for the cross-border recognition and enforcement of mediated settlements". *Pepperdine Dispute Resolution Law Journal*, 19(A), 1-60.
- Stitt, A J. (2004), *Mediation: A Practical Guide*, First published, Great Britain: Cavendish Publishing Limited.
- Sussman E. (2018). "The Singapore Convention Promoting the Enforcement and Recognition of International Mediated Settlement Agreements", *Icc Dispute Resolution Bulletin*, Issue 3.
- Vanišová, V. (2019). "Current Issues in International Commercial Mediation: Short Note on the Nature of Agreement Resulting from Mediation in the light of the Singapore Convention", Charles University In Prague Faculty Of Law, Prague Law Working Paper Series, Available at: <https://ssrn.com/abstract=3413560>.
- Weissman, G. A.; Leick, C. M. (1985). "Mediation and other creative alternatives to litigating family law issues". *North Dakota Law Review*, 61(3), 263-300.

A Comparative Study of Compromise in Family Disputes in the Singapore Convention 2019, Iranian Law and Imami Jurisprudence

*Reza Maboudi Neyshabouri*¹
*Seyyed Alireza Rezaee*²

Conciliation or mediation has many advantages over other dispute resolution methods. The United Nations has sought to increase the credibility and promote the status of mediation by ratification of the United Nations Convention on International Settlement Agreements Resulting from Mediation (Singapore Convention). In article 1 (2) of the Convention, the family disputes are excluded from its scope. According to the adhesion of Iran to the Convention, the approach of Iranian law and Imamah Jurisprudence should be analyzed. This article concludes that the Singapore Convention's approach towards this types of settlement agreements is justifiable because family matters in different countries are subject to various and different rules and enforceability of the international family settlement agreements by countries is hard to be accepted. Iranian law attitude toward the international settlement agreements in family disputes is defensible but lack of support of the internal settlement agreements, despite the Emphasis of Imamah Jurisprudence, is not acceptable.

Keywords: Mediation, Family Rights, Divorce, Executive Support, Arbitration,

1. Corresponding author: Faculty Board Member, Department of Law, College of Political Sciences Law, Fredosi University ,Mashhad, Iran.

Maboudi@um.ac.ir

2. PH.D Candidate in Private Law, College of Political Sciences Law, Fredosi University ,Mashhad, Iran.
Alirezarezaee4771@mail.um.ac.ir